

سمیه ناطقی، هنر خطاطی اش را
در توصیف کرامات امام رضا (ع) به کار بسته است

۵۴

ترسیم خطوط ارادت



عکس: نرجس شاکری/شهرآرا

یکی از ساکنان قدیمی مجتمع تاکسی رانی
از شرایط زندگی در دهه ۸۰ می گوید

چراغ نانوائی تنها روشنایی شب های محله

۶



رفع مشکل تاریکی یکی از معابر فرعی
با پیگیری شهرآرا محله

چراغ آموزگار روشن شد

۲

گذر هنرمندان در بوستان ملت
توجه شهروندان و اهالی هنر را جلب کرده است

چهره زیبای هنر و ادب

۷



رفع مشکل تاریکی یکی از معابر فرعی
با پیگیری شهرآرام محله

چراغ آموزگار روشن شد

فاطمه سیرجانی «وقتی قرار شد از طبقه به این محله بیاییم، خیلی خوش حال بودیم که به محله‌ای با امکانات به نسبت خوب می‌آییم، اما نمی‌دانستیم که از کمترین امکانات شهری که داشتن معابر روشن و امن است، محروم می‌شویم.» این بخشی از گلایه یکی از ساکنان کوچه آموزگار ۳۷/۶ است که پس از دو سال پیگیری بی‌نتیجه درباره خاموشی چراغ‌های محله از مسئولان، به سراغ نشریه محلی آمده است. به امید اینکه روشنائی و امنیت به کوچه و محله‌شان برگردد.

هم قدم

۱۱

رفتن به شرکت برق هم بی نتیجه بود

داستان تاریکی کوچه آموزگار ۳۷/۶ نقل دیروز و امروز نیست. قاسم دشتی درباره مشکل تاریکی محله می‌گوید: حدود دو سال پیش بود که چراغ تیرهای برق یکی یکی خاموش شد و تماس‌های پی‌درپی ما با شرکت برق بی‌نتیجه بود.

او با اشاره به ناامن شدن محله در پی تاریکی مطلق کوچه، ادامه می‌دهد: متأسفانه تاکنون هیچ‌کسی پاسخ درستی به ما نداده‌اند. شهرداری می‌گوید موضوع روشنائی معابر با شرکت برق است. مأموران شرکت برق هم فقط نشانی دقیق را می‌گیرند و با این جمله که در اسرع وقت اقدام می‌شود، ما را به رفع معضل تاریکی کوچه دل‌خوش می‌کنند، اما این حرف‌های دل‌خوش‌کننده در حد حرف باقی می‌ماند و در عمل شاهد تغییری نیستیم! اکرم دهقانی، یکی دیگر از ساکنان کوچه آموزگار ۳۷/۶، در ادامه صحبت‌های دشتی، به زمین خالی بزرگ مقابل ملک‌ش اشاره می‌کند و می‌گوید: وجود این زمین خالی به ناامنی و تاریکی بیشتر کوچه کمک می‌کند.

او به سرعت دو چرخه پسرش از پیلوت خانه‌شان اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: انتهای این کوچه زمین خالی است و تردد افراد غریبه و غیرساکن در این محدوده زیاد نیست، اما تاریکی کوچه فرصت مغتنمی شده برای فرصت‌طلب‌هایی که کارشان سرقت از منازل است. دهقانی به پیگیری‌اش از شرکت برق در اوایل سال ۱۴۰۲ اشاره می‌کند و می‌گوید: این موضوع آن قدر برایم مهم بود که یک روز که برای کاری به شرکت برق در محله فلسطین رفته بودم، موضوع تاریکی کوچه‌مان را هم مطرح کردم. قول حضور مأمور برق هم داده شد، اما مانده مأموری دیدیم، نه عمل به قول و وعده‌هایی که داده شد.

نامانی محصول تاریکی است

یکی از ساکنان برج پارسیان در نزدیکی این کوچه هم با اشاره به ناامنی کوچه می‌گوید: نه تنها این کوچه، بلکه همه بولوار آموزگار تاریک است.

شمسی حافظی ادامه می‌دهد. پسر نوجوانم چون در اعتکاف علمی شرکت می‌کند، معمولاً تا به خانه برسد، هوا تاریک است. چند شب پیش موتورسواری قصد مزاحمت و احتمالاً زورگیری از او را داشته، اما خوشبختانه با هوشیاری فرزندم به خیر گذشته است. مدتی قبل گوشی پسر همسایه‌مان را که ورزشکار هم هست، زورگیری و سرقت کرده‌اند.

حافظی در ادامه به حادثه قتل دانشجوی جوان که مدتی پیش در کوچه‌ای تاریک اتفاق افتاده و فضای مجازی را پر کرده بود، اشاره می‌کند و می‌گوید: علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد. باید کوچه و محلات شهرمان را برای فرصت‌طلب‌ها ناامن کنیم.

ساکنان کوچه، در تماس تلفنی با خبرنگار شهرآرام محله، از بازگشت روشنائی به محل زندگی‌شان با تعویض لامپ‌ها و تعمیر پاتروم‌ها خبر دادند

در اسرع وقت اقدام شد

شهرآرام محله مطالبه ساکنان کوچه آموزگار ۳۷/۶ را پیگیری کرد و در این باره علیرضا کاشی، مدیر روابط عمومی شرکت برق منطقه‌ای خراسان، قول اعزام کارشناس و بررسی موضوع مطرح شده را داد.

خوشبختانه پیش از چاپ این گزارش نیز دهقانی، از ساکنان کوچه، در تماس تلفنی با خبرنگار شهرآرام محله، از بازگشت روشنائی به محل زندگی‌شان با تعویض لامپ‌ها و تعمیر پاتروم‌ها خبر داد.



شهردار منطقه ۱۱ از نصب المانی هویتی در مسیر تشریف به مزار شهدای گمنام بوستان ملت خبر داد

یادمانی برای پاسداشت ایثار

بهشتی افضا آرای پیرامونی مزار شهدای گمنام بوستان ملت در سال ۱۴۰۴ وارد مرحله جدیدی شده است.

شهردار منطقه ۱۱ با اعلام این خبر، درباره جدیدترین پروژه این حوزه به شهرآرام محله گفت: طرحی با عنوان یادمان شهدا در ضلع شمال غربی بوستان و در مسیر تشریف به آرامگاه شهدا اجرایی می‌شود.

مهدی عرفانیان ادامه داد: این المان شهری دارای ویژگی‌های هویتی مرتبط با این فضا است و زیباسازی فضای شهری در آن مد نظر بوده است.

به گفته شهردار منطقه ۱۱، یادمان شهدای بوستان ملت در محدوده‌ای به وسعت ۲ هزار مترمربع و با بودجه بیش از ۱۵۰ میلیارد ریال در حال ساخت است.

او ادامه داد: هدف از ساخت این المان، پاسداشت ایثار و فداکاری شهدای دفاع مقدس و ایجاد فضایی متناسب با هویت این نقطه از منطقه است.

یادمان شهدای بوستان ملت تاکنون پیشرفت فیزیکی ۳۰ درصدی داشته است و تا پایان بهار مهابیای رونمایی می‌شود.

نوسازی زمین ورزشی پرستو

زمین ورزشی روباز پرستو در محله دانشجوی نوسازی و مرمت شد. این اقدام عمرانی به کوشش معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۱۱ و در راستای ایجاد فضاهای ورزشی استاندارد برای اوقات فراغت شهروندان اجرایی شد. در این طرح، علاوه بر نوسازی زمین چمن مصنوعی، زمین‌های ساحلی با ماسه جدید مرمت شد.

شهر خبر

۱۱

استخر ملت، میزبان شناگران

هم‌زمان با آغاز فصل گرما، استخر روباز بوستان ملت نظافت و رنگ‌آمیزی شد. این فضای آبی‌خاطره‌انگیز برای اهالی آزادشهر، در دو هفته اخیر مرمت شده است تا دوباره مهابیای میزبانی از شناگران شود. پس از اقدامات ایمنی و آب‌گیری استخر، این مجموعه در روزهای پیش‌رو دوباره به بهره‌برداری می‌رسد.

جریان یافتن آب در آب‌نماها

تعدادی از آب‌نماهای غیرفعال در منطقه ۱۱ به مدار زیباسازی معابر و فضاهای سبز شهری برگشتند. با اقدام نیروهای فضای سبز و در پی مطالبه شهروندان، سه آب‌نما پس از لای روبی و تنظیف دوباره به جریان افتادند. آب‌نماهای بولوار آموزگار، بوستان نسیم و بولوار جلال‌آل احمد در این طرح نظافت شده‌اند.



● آوای هماهنگ دختران توس شنیده شد

دختران محدوده منفصل شهری توس، در جشنواره ای مردمی، توانمندی خود در اجرای سرودهای گروهی را محک زدند. اولین جشنواره «سرود شبیه مروارید» با حضور هشت گروه از دختران هنرمند محدوده توس در این محدوده شهر برگزار شد و شرکت کنندگان سرودهای ملی و دینی اجرا کردند. جشنواره «سرود شبیه مروارید» به میزبانی گروه پاتوق دخترانه توس برپا شد و هدف از برگزاری آن، توجه به استعداد دختران این محدوده از شهر بود. در پایان این برنامه، عملکرد گروه های حاضر در جشنواره، توسط داوران بررسی و از افراد حاضر قدردانی شد.



● خدا قوت معلم

اهالی توس این هفته، هر روز را با گل و دسته گل به مدارس منطقه سرزند تا به معلمان خدا قوت بگویند. در ایام گرامی داشت مقام معلم، اعضای شورای اجتماعی محلات، فعالان محلی و والدین دانش آموزان در سه محله بزرگ توس گرد هم آمدند و در همه مدارس این محدوده حاضر شدند. اهالی توس از یازده مدرسه سه محله چهار برج، کلاته برفی و فردوسی و مدارس حاشیه توس بازدید کردند و به کارکنان آن به ویژه معلمان خدا قوت گفتند. این اقدام فرهنگی و پسنندیده به همت خود مردم و در راستای پاسداشت تلاش های این قشر فرهیخته برای دانش آموزان منطقه محروم برنامه ریزی شد.

● صحن نو برای مسجد عصمتیه

بعد از چهار ماه کار عمرانی و پیگیری اهالی و هیئت امنای مسجد، اتفاق خوشایندی برای مسجد فاطمه الزهرا (س) رقم خورد و این مجموعه مذهبی توسعه پیدا کرد. در دهه کرامت، چشم اهالی محله امیریه و مسجدی های خیابان عصمتیه ۹ به یک صحن نو در فضای مسجد محله روشن شد. محوطه جدیدی که به مسجد فاطمه الزهرا (س) اضافه شده، مساحتی ۱۵۰ مترمربعی دارد که در ماه های اخیر دیوارکشی و کف سازی شده است. این صحن با همراهی خیران و اهالی مسجدی ساخته شده و به این ترتیب یک مکان روباز برای برگزاری برنامه ها به فضای مجموعه اضافه شده است.



● بچه های توس در کلاس قرآن

برنامه های قرآنی مساجد توس، ویژه ایام فراغت کودکان و نوجوانان از این هفته آغاز شده است. کلاس های قرآنی توس در سه رده کودکان، نونهالان و نوجوانان با حمایت انجمن قاریان شهر مشهد برپا می شود. مساجد حضرت ابوالفضل (ع)، صاحب الزمان (عج) و امام حسن عسکری (ع) میزبان این برنامه قرآنی خواهند بود.



وکیل آباد دوباره جان می گیرد

طرح تفصیلی محله وکیل آباد پس از سه دهه تصویب شد تا زندگی در این محدوده شهری جان دوباره بگیرد و امکان نوسازی بافت محله فراهم شود. در این طرح سرانه های مسکونی، آموزشی، خدماتی، تجاری، ورزشی، بهداشتی و... پیش بینی شده و رفع مشکلات مالکیتی و ثبتی و حقوقی و املاک نیز مدنظر قرار گرفته است.



اتصال جدول آب به کانال توس

جدول گذاری حاشیه بولوار شاهنامه با هدف جمع آوری آب های سطحی آغاز شده است. این پروژه از انتهای بولوار شاهنامه به سمت ضلع شمالی کشف رود در حال اجراست و آب های سطحی این مسیر را به کانال اصلی در این محدوده هدایت می کند. این پروژه به طول ۱۸۰۰ متر و با اعتباری ۳۰ میلیارد ریالی اجرایی می شود.

هیجان در پیست صادقیه

پیست ورزشی هیجانی پمپ ترک در بوستان صادقیه احداث می شود. این پیست که به شکل ناهموار و استاندارد روز به کوشش تربیت بدنی شهرداری منطقه ۱۲ در حال احداث است، برای انجام ورزش های هیجانی مهیا خواهد بود. دو چرخه سواری، پرشی، اسکیت و اسکیت برد از جمله ورزش های اجراشدنی در این پیست خواهد بود.

بایگیری شهرآرامحله و همراهی

اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۱۲ محقق شد

آسفالت نو بر دست اندازهای سجادیه

رسانه ای شدن وضعیت نامناسب آسفالت در انتهای بولوار سجادیه و بیان نارضایتی شهروندان، اقدام عمرانی خوبی برای اهالی به همراه داشت. در روزهای پایانی پارسال بود که از طریق رسانه مجازی شهرآرامحله پیام شهروندان درباره دست اندازها و چاله های پرشمار انتهای بولوار سجادیه را رسانه ای کردیم تا اقدام مثبت عمرانی در این باره انجام شود. با توجه به تکرار پیام هادر این زمینه، لکه گیری آسفالت انتهای بولوار سجادیه در سال جدید در اولویت برنامه های عمرانی منطقه قرار گرفت و به همت اداره عمران و حمل و نقل، این مسیر هموار شد. لکه گیری نقاط تخریب شده در فضایی به مساحت سیصد مترمربع و با بودجه یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون ریالی انجام گرفت.



سمیه ناطقی، هنر خطاطی اش را در توصیف کرامات امام رضا (ع) به کار بسته است

ترسیم خطوط ارادت

۱۱

داستان جلد



گدایی دُرت از خلق بی نیازم کرد

خوش نویسی راسمیه ناطقی در سال ۱۴۰۰ برای حضور در جشنواره ملی خوش نویسی رضوی ارائه کرده و از این اثر قدردانی شده است. در وصف اولین کاری که برای جشنواره امام رضایی خلق کرده است، می گوید: وقتی فراخوان را دیدم، به نظرم آمد که فرصت خوبی است؛ چون قرار است فقط روی امام رضا (ع) و شخصیت ایشان تمرکز کنم. جشنواره اختصاصی بود و تصمیم گرفتم اثر ارائه کنم و این شعر را انتخاب کردم: «گدایی دُرت از خلق بی نیازم کرد/ که در سؤال کسی جز تو را صد از منم// بهای یک ثمن بخرم هم ندارم لیک/ به لطف خویش امام رثوف می خردم».

در آموزشگاه شخصی اش و در حاطه تابلوها و صفحات تذهیب شده به گفت و گومی نشینیم. نه قلم نی های پر شمار باریک و قطورش چشمم را می گیرد و نه گلدان ها و دیوارهای پر نقش و نگارش؛ چشم من دنبال آن خوش نویسی هایی است که ذهنم به آن فکر می کند؛ متن هایی که نشانی از امام رضا (ع) داشته باشند و در وصف سلطان خراسان به رشته تحریر درآمده باشند. در سرچر خاندن به یک سمت با اولین تابلو مواجه می شوم، اثری با خط خوش که با مرکب مشکی به تحریر درآمده و در مرکز تابلوها نصب شده است. این کار

بهشتی اهنوز هم وقتی می خواهد دست به قلم نی و مرکب بزند تا شعر، دل نوشته یا جمله ای را روی صفحه بیاورد، اول یاد و انگشت باز که نقش قلم نی را ایفا می کند روی هوا آن را تصور می کند بعد از چند باری تمرینش می کند و سپس صدای کشیدن قلم نی اش روی صفحه بلند می شود. به خاطر دارد کلمات «بانگ ملی» روی سردر شعب بانگ، اولین ترکیبی بود که تحریر آن چشمش را گرفت. حالا خودش در موقعیتی قرار دارد که سخت ترین کلمات را با زیباترین شکل روی صفحه پیاده می کند. سیمیه ناطقی چند سالی است هنر خوش نویسی اش را با حال روحی و فضای دوست داشتنی دوران کودکی اش همراه کرده تا آثاری امام رضایی خلق کند. این صفحات در جشنواره های هنر رضوی داوری شده اند و با آن ها افتخار آفرینی کرده است. البته خودش افتخار بالاتر را در فرصت قلم زدن برای امام رضا (ع) می داند.

برای مقام شرکت نمی کنم

او ادامه می دهد: جز دل نشین بودن محتوا نکته دیگری در کارم هست. متنی را روی صفحه نمی آورم مگر اینکه به آن باور داشته باشم و آنچه درباره امام رضا (ع) خطاطی کرده ام، هم باور من است و هم شناخت من از حضرت (ع) که منجر به ارادت شده است. روبه روی تابلو اول، صفحه خطاطی دیگری قرار دارد با عنوان «والی مُلک خراسان». این اثر را هم بانوی هنرمند منطقه مادر جشنواره ملی خوش نویسی سال ۱۴۰۲ ارائه کرده و مجدداً از او تقدیر شده است. او می گوید: جشنواره های امام رضایی برایم حکم مسابقه و مقام آوردن ندارد؛ در آن ها شرکت می کنم تا ارادت قلبی ام را نشان دهم.

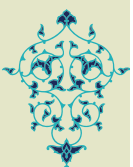
سیمیه ناطقی بعد از حدود ۲۵ سال کار خوش نویسی بی وقفه، اصول کاری خودش را دارد که اینجای گفت و گو دموور در برای ما باز می کند؛ دو اصلی که باعث کشیده شدن قلم نی اش روی کاغذ، آن هم در وصف امام رضا (ع) شده است. او می گوید: به نظرم خط روی برگه به زیبایی نمی نشیند مگر اینکه اول بروی خط جاری شده باشد. فکر می کنم متون امام رضایی اول به دلم نشست است که توانسته ام آن ها را روی صفحه بیاورم، وگرنه امکان نداشت که دیده شوند و اثرگذار باشند.

فرصت هنرآموزی

اگر پدر سیمیه خانم حوالی سال ۱۳۷۷، ادامه شرکت در کلاس خوش نویسی آستان قدس را به دخترش واگذار نکرده بود، شاید او در موقعیت امروزی نبود؛ موقعیتی که حالش با آن خوب است و احساس می کند دنبال استعداد و هنرش رفته است. سیمیه ناطقی تعریف می کند: من از بچگی به خوش نویسی علاقه داشتم؛ روی صفحه یاروی هوا با خودم تمرین می کردم ولی مثل الان کلاس فراوان نبود تا استعدادم را پرورش دهم. پدرم هم این هنر را خیلی دوست داشت. پیش دانشگاهی بودم که او خودش در کلاس خطاطی ثبت نام کرد ولی بعد از دو جلسه گفت

سیمیه ناطقی به جز نشستن پای میز تحریر و کشیدن قلم نی روی صفحه کاغذ یک فعالیت دیگر هم دارد، فعالیتی که از فضای کارش مشخص است. هنر جوهای خوش نویسی پای ثابت آموزش های او هستند. خودش درباره این کار می گوید: بخش زیادی از فعالیتیم این روزها به آموزش خوش نویسی می گذرد، یاد مدراس یاد آموزشگاه شخصی ام. این کار به اندازه خطاطی لذت بخش است، چون به من فرصت می دهد که هنرم را به دیگران یاد بدهم.

«من حال و حوصله اش را ندارم؛ شما بیا بقیه ترم را برو که استاد خیلی خوبی هم دارد.» حضور در این کلاس ها، شروعی شد برای اینکه سیمیه ناطقی خوش نویس شود و این راه تا الان ادامه دارد. او درباره اولین خطاطی های رسمی اش می گوید: زیر نظر استاد ذوالریاستین خطاطی را حرفه ای یاد گرفتم. یادم است به سطح مطلوبی که رسیدم. استاد فال حافظ می گرفتند و آن ابیات را به هنر جوهای دادند تا خوش نویسی کنند.



❁ جواب سؤال را گرفتیم

سمیه ناطقی که پرشمار آثار خطاطی دارد و بخشی از کارش را بر خوش نویسی آثار امام رضایی معطوف کرده است، حساب و کتاب کارش را با امام رضا^(ع) را می داند. او سلطان سریر ارتضاء را نور و روشنائی شهر بهشت می داند. نوری که به قلم نی و صفحه گلاسه کار او هم در این سال ها تابیده و این بانوی هنرمند در دنیای هنر رضوی قدم گذاشته است. اومی گوید: خطاطی من برای امام رضا^(ع) برای پاسخ به یک سؤال در درون خودم بوده است. همیشه وقتی به حرم می رفتم و آن عظمت و شکوه را می دیدم، به خودم می گفتم من برای امام رضا^(ع) چه کاری کرده ام؟ یک نوع شرمندگی شخصی داشتم. با خودم می گفتم: یکی باوقفش، یکی بانذرش و دیگری با خادم بودنش به امام رضا^(ع) عرض ارادت می کند. ولی من چیزی برای اینکه این قدم ها را بردارم نداشتم. او ادا می دهد: در این سال ها که در جشنواره ها شرکت می کنم و کارهای امام رضایی من دیده می شود، احساس می کنم به بخشی از این سؤال پاسخ داده ام.

❁ به «نه» دیگران، «نه» گفتم!

خطاط حاذق شهرمان در این سال ها با کارهای امام رضایی اش توجه استادان و هنرمندان این حوزه را جلب کرده است. البته که خودش می گوید دنبال توجه و مقام و جایزه نبوده اما بارها تشویق شده و حال خوبی هم پیدا کرده است. واکنش های منفی و روی گردانی از او و هنرش نیز اثری بر تصمیماتش نداشته است. تعریف می کند: متأسفانه برخی دوستان و آشنایان از زوایای دیگری به هنر و اعتقادات جامعه نگاه می کنند که این نگرش ما حاصل چند قطبی شدن جامعه است. در همین زمان هایی که من آثارم را برای عرض ادب به محضر امام هشتم آماده می کردم، افرادی بودند که به من می گفتند امروز جامعه و فضای هنر این آثار و رفتار مذهبی رانمی پسندد و به نوعی من را از این کارهای هنری بازمی داشتند. اما جواب من هم «نه» بود! اومی گوید: کار من برای امام رضا^(ع)، یک کار دلی بود و برایم اهمیتی نداشت که دیگران چه فکر و قضاوتی درباره من و هنرم دارند.

❁ خطوط ماندگار در حرم، نشانه لیاقت است

آثار خوش نویسی در بارگاه منور رضوی حکم گنجینه را دارند. از خط ثلث بایسنقر میرزا در دوره تیموری بر طاق مسجد گوهرشاد گرفته تا خط ماندگار علیرضا عباسی که در دوره صفوی بر ایوان صحن عتیق نشسته است. این روال در قرن های بعدی هم ادامه یافته و آثار نستعلیق و ثلث از خود ضریح تادرب صحن ها و گنبد چشم نوازی می کنند. این آثار، الهام بخش ذهن و فکر ناطقی در مسیر خلق خوش نویسی های زیبایش بوده اند. اومی گوید: از زمانی که متوجه علاقه ام به خوش نویسی شدم، حضورم هم در حرم شکل متفاوتی داشت. وقتی به حرم می رفتم کمی از حال معنوی و زیارت که فاصله می گرفتم، همه حواسم پرت خطوط و کتیبه های حرم می شد. او ادا می دهد: چند سالی است استاد توکلی زاده از بین مارفته اند. اما کتیبه های ایشان در روضه منوره هنوز به یادگار ماندگار است. یا خطوط آقای مهدی زاده روی درهای چوبی بزرگ همیشه توجه من را جلب می کند. به نظر من، این ماندگاری آن هم در حرم امام رضا^(ع) اتفاقی نیست، هم خلوص فرد را نشان می دهد و هم لیاقتش را.

❁ یعنی روزی می شود؟

وقتی از حرم و خطاطی در آستان ملائک پاسبان رضوی صحبت می کند، به وجد می آید: این را از حالت چشم ها و حرکت دستانش می توان فهمید. او کار برای امام رضا^(ع) را دوست دارد و تا همین جا هم شاکر خداست که مورد توجه امام رئوف^(ع) بوده است. البته شاید بعضی وقت ها با خودش فکر کرده است که چه خوب می شود که کارهای امام رضایی اش از دیوار نمایشگاه ها و پوستر جشنواره ها به فاصله نزدیک تری تا روضه منوره برسد. وقتی این موضوع را از او جویا می شویم، پاسخ می دهد: یعنی روزی می شود؟ قطعاً اگر روزی من به آن درجه از توانمندی و سعادت برسم که خطم در گوشه ای از حرم مطهر قرار بگیرد، برایم افتخاری است؛ به این آرزو در زندگی فکر کرده ام. سیمیه خانم ادامه می دهد: اگر روزی این توفیق حاصل شود، همه جوهر استقبال می کنم و حال خوبی است برایم و فکر می کنم این اثر هر چه به روضه منوره نزدیک تر باشد، خوشحال ترم می کند.

❁ زیبا بود ولی خواندنش سخت بود

از اولین خوش نویسی امام رضایی سیمیه خانم برای دربار ولایت مدار رضوی بیست سالی می گذرد. اما شاید مهر صحن و سرای سراسر نور امام هشتم، خیلی دورتر و از دوران کودکی سیمیه خانم به دلش نشسته باشد. شاید از همان روزها که معلم کلاس پنجمش آن ها را تشویق به خواندن خطاطی ها و کتیبه های حرم امام رضا^(ع) می کرد. او در وصف آن خاطره می گوید: آقای عباسی، معلم خوب و دغدغه مندی بود؛ به مامی گفت «هر کس به حرم امام رضا^(ع) برود و نوشته های دور ضریح را بخواند پیش من جایزه دارد». سیمیه خانم این طور ادامه می دهد: من که از همان زمان خطاطی و خط خوش را دوست داشتم، باید درم به حرم می رفتم و به سختی لایه لای جمعیت، خودم را به ضریح می رساندم و به متن ها نگاه می کردم. خیلی زیبا بود ولی خواندنش سخت بود. یادم است در حد تک کلمه می فهمیدم ولی نمی توانستم جمله یا بیت کاملی را بخوانم. همان زمان متوجه می شدم که بایک اثر هنری ارزشمند مواجه شده ام.



❁ جان به قربان تو شاهاکه حج فقرایی

«اغنیام که روند و فقر اسمت تو آیند/ جان به قربان تو شاها که حج فقرایی»، سیمیه ناطقی وقتی برای اولین بار تصمیم گرفت اثری را به یک برنامه امام رضایی ارائه کند، با این بیت شروع کرد: بیتی که از نو جوانی ملکه ذهنش شده بود. اومی گوید: سال ۱۳۸۳ فراخوان نمایشگاهی با عنوان آثار خوش نویسی با موضوع هنر رضوی را دیدم. بلافاصله این

شنیدم صدای آدم هایی می آید که سیمیه ناطقی را صدا می زنند. یک نفر من را از میان جمعیت کشید و هل داد سمت تابلویم. ایشان به من گفتند «این کار اثر شماست؟» نگاه کردم دیدم خط من است. آقای امیرخانی اول به شوخی گفتند «این چه خطی است! چرا این قدر مردانه نوشته ای؟» من ترسیدم که خیلی بد نوشته ام. به یک باره همه خندیدند و کلی از کارم تعریف کردند که انرژی مثبتی بود برای ادا می راهم.

بیت به ذنم رسید و همان را بعد از چند بار تمرین روی صفحه آوردم. دادم برای تذهیب و به دبیرخانه نمایشگاه فرستادم. او تعریف می کند: روزی که قرار شد اساتید خوش نویس و در رأس آن ها استاد امیرخانی از آثار بازدید کنند، من هم به نمایشگاه بین المللی رفتم. هر کسی اساتید را به سمت اثر خودش می برد و کار خود را معرفی می کرد. لایه لای شلوغی جمعیت اصلاً نمی توانستم به آن ها نزدیک شوم. ناگهان





یکی از ساکنان قدیمی مجتمع تاکسی رانی، از شرایط زندگی در دهه ۸۰ می گوید

چراغ نانوایی، تنها روشنایی شب های محله

آخر مجیدیه تا همین چند سال قبل، بازار خود رو بود. یکشنبه ها و چهارشنبه ها هم روز بازار محلی برپا می شد. ماهمسایه ها قرار خریدهایمان را برای یکی از این دو روز تعیین می کردیم و گروهی به خرید می رفتیم. این روال بود تا وقتی آن زمین ها مالک شخصی پیدا کرد.



ایستگاه اول

فاطمه سیرجانی اوایل دهه ۸۰ بود که زن و شوهری جوان تصمیم گرفتند با پس اندازشان خانه ای برای خود بخرند. اما پس اندازشان قد خرید آپارتمانی در حاشیه شهر، آن هم قسطی کفاف می داد. این طور شد که آن ها صاحب آپارتمانی در خیابان شهید اندرابی شدند در یکی از سه بلوک مختص کارکنان سازمان تاکسی رانی، به ۴۵ میلیون نقد و قسط. آپارتمان هایی که نه آب داشت و نه برق و دور و اطرافش به قول فهیمه عیسی زاده تادلتان بخواهد سگ و گرگ و روباه پرده می زد. روزانه، تعداد ماشین های عبوری از بزرگراهی که اسمش میثاق بود، به عدد انگشتان دست نمی رسید و با تاریکی هوای دیگر کسی جرئت از خانه بیرون رفتن را نداشت. این معبر حالا جزوی از محله آباد مجیدیه است.

اواسط دهه ۸۰ به جز مجتمع های تاکسی رانی و دو مجتمع دیگر، ساختمان دیگری در این محدوده نبود. خاطرم هست یک زمستان همین که داخل ماشین پرایدی که تازه گرفته بودیم نشستیم، سه گرگ از دیوارهای کوتاه مجتمع به سمت ماشین حمله کردند.



ایستگاه دوم

ایستگاه سوم

ایستگاه چهارم

بیست سال پیش، درست روبه روی مجتمع ما یک نانوائی تنوری بود که فقط تا سرشب کار می کرد. روشنایی این قسمت بولوار میثاق هم از همان نانوائی بود. ما تا قبل خاموشی چراغ نانوائی، خودمان را به خانه می رساندیم و تابلو ورود فردا از خانه خارج نمی شدیم.



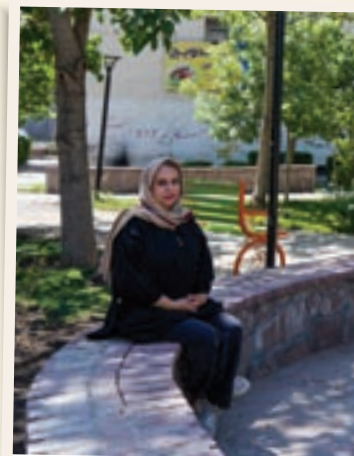
ایستگاه پنجم

شمسی خانم براتی و خانواده اش چند سال بعد از ما به این مجتمع آمدند. روزی که اسباب کشی داشتند، من و پسر در پیلوت بودیم. هم سن بودن فرزندانمان زمینه آشنایی و رفاقتی را باز کرد که هنوز ادامه دارد.

ایستگاه ششم

بوستان نیلوفر برای ساکنان این محله پراز خاطره است. این میلمان نیم دایره سنگی اولین سازه این بوستان بود. هر روز با همسایه ها زیر انداز و بساط چای و عصرانه را برمی داشتیم و به این قسمت می آمدیم و تا ساعتی بعد از تاریکی هوا اینجا بودیم.

در این قسمت محله، یک زمین بازی بود با کلی قلوه سنگ. یک بار سردخترم و یک بار هم پای پسر در همین زمین بازی شکست. بعد از چندین اتفاق مشابه، شهرداری آمد و در زمین بازی بچه ها کف پوش نصب کرد.



گذر هنرمندان در بوستان ملت، توجه شهروندان و اهالی هنر را جلب کرده است

چهره زیبای هنر و ادب

۱۱



مکان نما

شهر روی صحنه دارد، می گوید: متأسفانه نسل امروز به قدری گرفتار حواشی است که چهره های ماندگار و اصیل ادب و هنر شهر را نمی شناسد.

این کمک کارگردان جوان با اشاره به سردیس های جانمایی شده در مسیر ادامه می دهد: خیلی از مشهدهای هانته تنها این بزرگان فرهنگ و هنر را نمی شناسند، که حتی نمی دانند همشهری آن ها هستند. اوساخت فیلم یا سریالی درباره زندگی هنرمندان نامی را در معرفی شخصیت آن ها بسیار مؤثر می داند.

سیدهاشم جعفری، یکی دیگر از رهگذران گذر هنرمندان بوستان ملت، که محوتمشای سردیس کمال علوی است، درخصوص جانمایی سردیس هنرمندان شهرمان می گوید: خوب بود که اطلاعات بیشتری از این عزیزان در اختیار علاقه مندان قرار می گرفت.

چهره پیشکسوتان و بزرگان هنری، ادبی و فرهنگی شهر مشهد را به تصویر کشیده اند.

● هنری برای ماندگاری

نصب این سردیس ها در این فضا به دل اهالی هنر و شهروندان هم نشسته است. سید جلال خیابانی به همراه دوستانش به این بوستان آمده است. او که برای اولین بار است این مسیر را برای پیاده روی انتخاب کرده، درحالی که محوتمشای سردیس انوشیروان ارجمند است، می گوید: امروز به توصیه یکی از دوستان برای گرفتن عکس یادگاری با تندیس رستم و سهراب به این قسمت آمدم که با این سردیس های جدید و زیبا روبه رو شدیم. اکثر چهره ها برای من و دوستانم آشنا هستند.

خیابانی با اشاره به سردیس برخی هنرمندان نام آور شهرمان ادامه می دهد: این اقدام برای زنده نگهداشتن یاد، نام و خاطره هنرمندان شهرمان بسیار شایسته است و جای تقدیر و تشکر دارد.

● جای خالی سریالی درباره نام آوران مشهدهی

آسیه رحمانی در حال رفتن به سالن تئاتر شهر است. او که خود اهل هنر است و در حال حاضر، گروهشان، نمایشی به نام «زهرماری» را در یکی از سالن های تئاتر

فاطمه سیرجانی از در سبکی بوستان ملت که می گذریم در مسیر منتهی به سالن اصلی تئاتر شهر، سردیس هایی از چهره های ماندگار هنرمندان و مفاخر شهر مشهد، توجه ما را به خود جلب می کند. این نقطه از پارک، مسیر زیبایی جدیدی را پیش روی شهروندان گشوده است.

در روزهای پایانی سال ۱۴۰۳، قاب های بزرگی که در کارتن و نایلون پیچیده شده بود، جلودر سبکی بوستان ملت به چشم می خورد که در ابتدای سال، در مقابل تئاتر شهر از آن ها رونمایی شد؛ اینجا گذر هنر پارک ملت است.

● از استادان تئاتر تا نامداران نویسندهی

سردیس های گذر هنر شامل هشت چهره ویژه است. به سمت ساختمان تئاتر شهر که می رویم، با سردیس رضا رضاپور، هنرمند پرآوازه صحنه روبه روی می شویم و پس از آن، قاب های انوشیروان ارجمند، بازیگر خوش نام و محبوب سینما و تلویزیون، سید رضا کمال علوی، استاد وادیب فرزانه، سعید تشکری، نویسنده و هنرمند دغدغه مند، غلامرضا بایزان منش و مهدی صباغ دو بازیگر و چهره فرهنگی برجسته، شهید مسعود سهیلی، هنرمندی که هنر و ایثار را درهم آمیخت و حسین زاهدی نامقی، از چهره های تأثیرگذار عرصه هنر، جای گرفته اند.

این گذر هنری به سفارش خانه هنرمندان شهرداری مشهد برپا شده و طراحی یادمان های آن، توسط هنرمند تجسمی، همایون حسینی انجام شده است؛ هشت استند فلزی به ارتفاع دو متر و پنجاه سانتی متر با طراحی مدرن و خلاقانه به روش «پلیگان»،



نوجوان حافظ محله الهیه از علاقه مندی هایش می گوید

سیر در قرآن و آسمان

امید محله

اوقاف کشور در رشته حفظ کل برگزار شد، دوم شدم. این را هم بگویم که دو مدرک تخصصی از سازمان تبلیغات اسلامی در سطح ۴ و ۵ دارم که معادل دیپلم و فوق دیپلم است.

● حفظ کل قرآن را در چه مدتی به پایان

رسانندی و بیشتر چه ساعتی تمرین می کردی؟ از کلاس اول تا ششم در کنار درس، برنامه حفظ قرآن را هم در خلال کارهایم داشتم. در حقیقت هر زمان حس می کردم حس و حال خواندن قرآن را دارم، به سراغ آن می رفتم. البته سعی می کردم در کنار عبارات عربی، معنای آن را هم بخوانم.

● قرآن چه تأثیری بر تحصیل داشته است؟

وقتی در زندگی برنامه داشته باشی، کارها با نظم بیشتری انجام می شود. من برای درس خواندن و حفظ قرآن برنامه مرتبی داشتم. سعی کردم برنامه ام را طوری بچینم که در هر دو موفق باشم و هیچ کدام مانعی برای پیشرفت در آن یکی نباشد.

● برای آینده شغلی برنامه ای در سر داری؟

دوست دارم در کنار آموزش قرآن و تربیت حافظ قرآن، در آینده فضا نورد شوم و تحصیلات دانشگاهی ام در این رشته باشد.

● چرا فضا نوردی را انتخاب کرده ای؟

چون علاقه بسیار به آسمان و ماه و ستاره ها دارم. خانواده بعد از اینکه کل قرآن را حفظ کردم، تلسکوپ برایم خریدند. نگاه به آسمان و ستاره ها و آرامشی که به من می داد سبب علاقه ام به رشته فضا نوردی شد.

را از آنجا شروع کردم. بعد از مسلط شدن در روخوانی و روان خوانی و تجوید در مرکز اصلی جامعه القرآن که در خیابان آبکوه است، پذیرش شدم.

● اولین سوره ای را که حفظ

کردی، در خاطر داری؟

بله، سوره نبأ که یک هفته برای حفظ این سوره وقت گذاشتم.

● در چند رقابت جدی حضور

داشته ای و چه مقام هایی کسب کرده ای؟

در مسابقات کشوری سال های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ که در تهران و قم برگزار شد، دو مقام به دست آوردم. سال گذشته هم در مسابقاتی که از طرف سازمان



فاطمه سیرجانی | مادرش اولین کسی بود که پی برد دخترش حافظه ای عجیب و استعدادی فراوان در حفظ کردن دارد. درست از همان زمانی که خواندن و نوشتن را نمی دانست، اما با گوش دادن به دعای فرج، جملات آن را حفظ کرده بود و در عالم کودکی بی آنکه معنای آنچه را بر زبانش می آید بداند، آن را زیر لب زمزمه می کرد. یگانه حیدری، دانش آموز پایه هفتم مدرسه شاهد وصال، حافظ کل قرآن است. این نوجوان موفق محله الهیه با همین سن کم در چند رقابت حاضر شده و چندین مقام استانی و کشوری را در کارنامه قرآنی خود ثبت کرده است.

● چه شد که تصمیم گرفتی به سمت حفظ آیات قرآن حرکت کنی؟

سه چهار ساله بودم که مادرم متوجه شد زیر لب دعای فرج را زمزمه می کنم، بدون اینکه کلمه ای را اشتباه بگویم. وقتی دید با گوش دادن دعا از تلویزیون، آن را حفظ کرده ام، تصمیم گرفتم در کلاس های قرآن ثبت نام کنم.

● برای شروع به مرکز آموزشی خاصی

رفتی یا در خانه تمرینات را آغاز کردی؟

مادرم برای آموزش حساسیت داشت و به همین دلیل پس از پرس و جو و بعد از گذراندن دوره پیش دبستانی، در جامعه القرآن در بولوار اندیشه قاسم آباد ثبت نامم کرد. روخوانی و روان خوانی

۱۲



برای آشنایی بیشتر با کاتالوگ شهرآرامحله منطقه ۱۱ و ۱۲ کد QR را اسکن کنید



در پایان برنامه، نفرات برتر روی سکواستاده‌اند و جوایز خود را می‌گیرند. علی اکبر پوررحیمی، عماد عرب، رادین مهدی زاده، مصطفی عمارلویی و یزدان نظری استعدادهای برتر متوسطه دوم هستند. رادین مهدی زاده پس از رفتن روی سکومی گوید: امروز امیدوار شدم که این رشته را به صورت حرفه‌ای ادامه بدهم. دوست دارم پس از این رکاب زدن در مسابقات ماراتن را امتحان کنم.



بنیامین فنایی، دوچرخه سوار افتخار آفرین مشهدی که چندین مقام قهرمانی در استان و کشور دارد، در برنامه حاضر شده است و می‌گوید: امروز را با هدف انگیزه دادن، راهنمایی و مشورت در کنار بچه‌ها حاضر شدم. به نظرم مسیر جالب و متفاوتی انتخاب شده بود و شرکت کنندگان هم با دوچرخه‌های استاندارد شرکت کرده بودند.

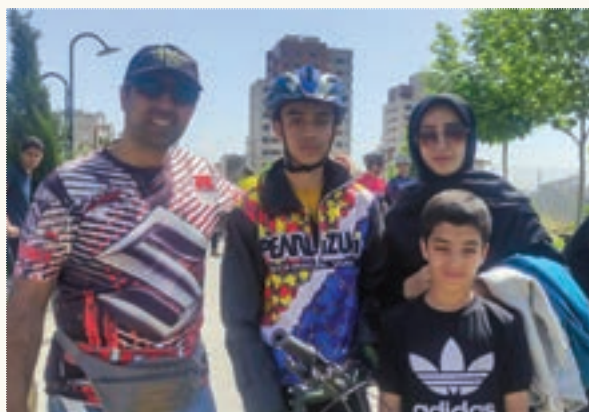


دانش آموزان دوچرخه سوار مشهدی
در منطقه ما با هم رقابت کردند

گشتن دور چهل بازه

بهشتی انفر به نفر پشت خط شروع می‌ایستند و با سوت داور، رکاب زنان مسیر پرپیچ و خم و ناهموار مسابقه را دور می‌زنند تا پس از عبور از کله قندی‌های مسیر، دوباره به این نقطه برسند. هرکسی در زمان کمتر و با مهارت بیشتر مسیر را به پایان برساند، شانس بیشتری برای کسب رتبه دارد.

شرکت کنندگان مسابقه دوچرخه سواری مهارتی بوستان چهل بازه، دانش آموزان متوسطه اول و دوم هستند که از نقاط مختلف شهر و برای نشان دادن استعداد هایشان خود را به این بوستان رسانده‌اند. این برنامه ورزشی با همکاری مشترک هیئت دوچرخه سواری مشهد، آموزش و پرورش استان و جمعیت دوام ثامن منطقه ۱۱ برپا شده است.



خانواده‌ها در این برنامه مثل همه مراحل زندگی همراه فرزندانشان هستند. حسین کناری که همراه فرزندش سینا به این برنامه آمده است، توضیح می‌دهد: مقام و رتبه خیلی اهمیتی ندارد. همین که بچه‌ها در این فضا فرصت تفریح پیدا کرده‌اند، برای ما ارزشمند است. ما فرزندان را تشویق می‌کنیم که همیشه از دوچرخه استفاده کنند. چون این طوری سالم‌تر می‌ماند.



عرفان نقیبی، امیر محمد صانعی، محمد پارسا روانگرد، امیر علی طلا ساز و سبحان شوقی نفرات برتر بخش متوسطه اول هستند. عرفان نقیبی پس از کسب رتبه می‌گوید: چند نفر از بچه‌های مدرسه را اینجا دیدم. اگر مدیران مدرسه حمایت کنند، خیلی خوب می‌شود که در حیات مدرسه هم هر هفته مسابقه دوچرخه سواری داشته باشیم.